

تحلیل تناسب تشبیه با بافت کلام در دو جریان شعری معاصر: تجددگرایان محافظه کار، رمانتیسم

(مطالعه موردی: اشعار سیمین بهبهانی، بهار، حمید مصدق
و فریدون مشیری)

مهرناز اسماعیلی بروجنی*

امیدوار مالملی**، سید علی سهراب نژاد***

چکیده

تناسب زبان و نگاه در شعر شاعران از رهگذر تصاویر متنوع از اشعار آنها قابل ارزیابی است. هر نگاه ویژه‌ای در بیان خاصی نمود پیدا می‌کند و با بررسی جریان‌های مختلف ادب فارسی، می‌توان تناسب بیان و نگاه را دریافت. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی سعی شده است تناسب تشبیه با بافت کلام در دو جریان شعری معاصر با تکیه بر سردمداران آن جریان‌ها بررسی و تحلیل شود. بهبهانی و بهار به عنوان شاعران تجددگرای معاصر و مصلحت و مشیری به عنوان شاعران رمانتیسم معاصر^۱، سهم ویژه‌ای در ادب معاصر دارند. نتایج حاکی از آن است که شاعران تجددگرا در کنار تصاویر برخاسته از

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران (نویسنده مسئول)،
shemash123@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران،
malmoliomidvar@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران،
seyedali.sohrabnejhad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

تشبیه، سعی بیشتری در تناسب سطح کلام با واژگان کهن ادب فارسی داشته‌اند و بهار به نسبت، بیشتر از بهبهانی این تناسب را در ارتباط با مشبّه‌ها و مشبّه‌به‌های اشعار خود برقرار کرده و تخیل در اشعار او با زبان گذشته، بیشتر پیوند یافته است. بیشترین وجه گذشته-گرایی اشعار مصدّق در تشبیهات او، مقید بودن مشبّه‌به‌های آن است که هم تابع صفات و هم اضافه‌های مقلوب را شامل می‌شود اما در نهایت به دلیل قرینه‌های زیاد سطح بیت، مخاطب، تصاویر برخاسته از اشعار او را بیشتر به عنوان یک تصویر امروزی قبول می‌کند و تناسب واژگان در سطح ابیات، بیشتر امروزی است نه مربوط به گذشته ادب فارسی. مشیری به دلیل زبان ساده و توجه ویژه‌ای که در انتقال عاطفه و احساس داشته است در تشبیهات خود توجهی به گذشته ادب فارسی نکرده است و اگر گذشته‌گرایی هم در شعر او دیده شود، هنجارگریزی‌هایی ساده هستند که تنها در سطح بیت، آن هم بدون گره-خوردگی معناداری با تصاویر بکار رفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تشبیه، بهبهانی، بهار، مصدّق، مشیری.

۱. مقدمه و بیان مسأله

همواره بین بیان و محتوای ارائه شده تناسبی وجود دارد که هرچقدر این تناسب دقیق‌تر و ریزبینانه‌تر باشد کلام درجه هنری بهتری خواهد یافت. در حقیقت هر کس آنگونه که می‌اندیشد و احساس می‌کند، سخن می‌گوید و به بیان دیگر، شعر، تجلّی اندیشه و احساس شاعر در مورد مسائل پیرامون، اجتماع، رخدادها و... است که شاعر از زاویه دید مخصوص خود، آن‌ها را بیان می‌کند. «سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان بیرون و درون است که لزوماً در شیوه خاصی از بیان تجلّی می‌کند به عبارت دیگر، هر دید ویژه‌ای در زبان ویژه‌ای رخ می‌نماید» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۸). بنابراین چگونگی بیان شاعران متأثر از اندیشه و نگرانه‌های خاص آنان است و تفاوت‌های زبانی و بیانی آثار ادبی با هم تا حدود زیادی به دلیل انتساب شاعران و نویسندگان به جریان‌های ادبی فارسی است. برای نمونه تفاوت زبان حماسه با زبان غنایی در اصل، ریشه در نوع نگاه شاعران منتسب به این دو حوزه دارد.

با تشخیص نوع ادبی یک اثر می‌توان تصوّر بهتری از موضوع یا ساختار کلی آن داشت و درک عمیق‌تری از ارزش‌های یک اثر ادبی حاصل کرد. این امر اجازه می‌دهد تا با دیدی مقایسه‌ای جایگاه آن اثر را نسبت به متون هم‌نوع بسنجیم (پارساپور، ۱۳۸۳: ۱۲).

بر این اساس در این پژوهش به تحلیل تناسب تشبیه با بافت کلام در دو جریان شعری معاصر یعنی جریان تجدّدگرای معاصر و جریان رمانتیسم پرداخته می‌شود. محدوده پژوهش حاضر شعر شاعران تجدّدپرداز (سیمین بهبهانی، ملک الشعرا بهار) و شاعران منسوب به رمانتیسم (حمید مصدّق و فریدون مشیری) را در بر می‌گیرد. تأثیر بهبهانی بر بالندگی دوباره غزل چنان بوده است که او را نیمای غزل خوانده‌اند (دهباشی، ۱۳۸۳: ۵۲) وزن‌های جدیدی که او وارد غزل کرد، مجالی را فراهم آورد تا بتوان حرف‌هایی را در این قالب مطرح کرد که پیش از این به راحتی امکان‌پذیر نبود. در شعرهای ابتدایی سیمین، رمانتیسم به شکل پرننگی جلب نظر می‌کرد. این رمانتیسم در غزل‌ها بیشتر به دغدغه‌های شخصی مانند عشق مربوط می‌شد و در چهارپاره‌ها صبغه‌ای اجتماعی به خود می‌گرفت. در این چهارپاره‌ها گاه با زنی رو به روییم که بنا بر اجبار به آلودگی تن می‌دهد و گاه گریه‌های دانش‌آموزی را می‌بینیم که از فقر و نداری به ستوه آمده است. مضمون این شعرها اعتراضی است اما لحنی منفعل و مبتنی بر پذیرش دارند. بعد از کتاب «خطی ز سرعت و آتش» اعتراض‌های بهبهانی از آه و ناله‌های رمانتیک دور می‌شود و تعداد قابل توجهی از غزل‌هایش لحنی حماسی به خود می‌گیرند. خود او در تأیید این شیوه جدید می‌گوید «قلم شعرا و نقاشان و نویسندگان بیش از شمشیر جنگاوران در به وجود آمدن قوانین و نظامات تازه مؤثر بوده است.» (همان: ۵۸۸). بهار نیز ادیب و سیاستمداری بود که تا زمان به سلطنت رسیدن پهلوی اول تمام توان خود را برای مقابله و ایستادگی در برابر روی کار آمدن چنین حکومتی به کار بست؛ اما شدت سیاست سرکوب، اسباب به تحلیل بردن آزادی‌خواهان را فراهم نمود. از ابتدای سلطنت پهلوی اول تا پایان قدرت او در شهریورماه ۱۳۲۰ش، بهار از سیاست، بنابر ناکارآمدی نظام پارلمانی کناره‌گیری کرد و برای نشان دادن مخالفت خود با حکومت استبدادی، هیچ‌گاه مناصب دولتی را نپذیرفت و چون تقی‌زاده به کارهای فرهنگی روی آورد. اتخاذ این شیوه غیرمستقیم برای مبارزه و همچنین سرودن اشعار انتقادی بسیار علیه سیاست‌ها و اقدام‌های دولت، اسباب زندانی شدن و تبعید را برای بهار در پی داشت. او در طول این سال‌ها با مردم همراه و همگام بود. دردهای آن‌ها را بیان می‌کرد و مرام او در اشعارش، تجلیل از ملیت ایرانی با اتکا به تاریخ کهن ایران‌زمین، الهام از دین به‌عنوان یکی از ارکان جامعه، تلاش در راستای بیداری مردم و مقابله با نفوذ سیاسی و فرهنگی غرب بود. او برای شاعر یک رسالت اجتماعی قائل بود و این رسالت را در طول سلطنت استبداد پهلوی که اعتقادی به الزام متقابل دولت و ملت نداشت، حفظ کرد. «فریدون

مشیری» نیز یکی از چهره‌های شاخص جریان شعر معاصر است. شعر او آیینۀ تمام‌نمای صداقت و مهرورزی و احساسات پاک انسان‌دوستانه است. سطح اندیشگی شعر «مشیری» از ابتدای شاعری او تا پایان عمرش تقریباً در یک خط، سیر می‌کند. او تلاش می‌کند انسان‌ها را به نوع دوستی و مهرورزی دعوت کند بدون اینکه به ساحت اجتماعی آنها کاری داشته باشد. به همین دلیل است که اشعار اجتماعی او در چارچوب زمان محدود نشده‌اند و بیشتر مسائلی از قبیل: مهر و دوستی، انسانیت، شکوه از جنگ، گذر ایام و دم را غنیمت شمردن و... است که برای بیان این مضامین تلاش نکرده از لفاظی‌های زبانی استفاده کند؛ چرا که دریافته زبان تغزلی باید ساده و عاری از پیچیدگی‌های زبانی باشد. اشعار عاشقانه او هم، شعری است معتدل؛ چیزی است مابین جمعیت و روحانیت. معشوق او نه فقط برای خواهش‌های نفسانی است و نه برای عشق روحانی. بلکه هر دوی اینها در کنار هم هستند (رک: زرقانی؛ ۱۳۸۳: ۴۸۵-۴۷۸). اقبال مردم به شعر «مشیری» به دلیل زبان ساده و صمیمی آن بسیار زیاد است؛ هرچند که برخی منتقدان، شعر او را به دلیل سادگی بیش از حد قبول ندارند و معتقدند که چنین اشعاری ذهن مخاطبان را به تنبلی دعوت می‌کند (رک: براهنی؛ ۱۳۷۱: ج ۲/ ۱۱۳۱). حمید مصدق نیز شاعری ملی‌گرا، سیاسی و اجتماعی و شعرش زبان گویای عشق، آزادی و ایران است. از لحاظ زبانی، مهم‌ترین ویژگی شعر وی سادگی و صمیمیت اشعار اوست. استفاده از زبان عامیانه، سبب روانی و سادگی شعر او شده است. «عشق» و «سیاست» دو ماده اصلی شعر اوست. از نظر جایگاه، در طبقه‌بندی شاعران معاصر، حمید مصدق در شاخه اعتدالی شعر نیما که دنباله/افسانه است، جای می‌گیرد. ویژگی‌های شاخه اعتدالی شعر نیما عبارتند از: «میل به خوش‌آهنگی موسیقایی کلاسیک، میل به طرح مسایل رمانتیک عاشقانه، دیدن مسایل اجتماعی و سیاسی با دید رمانتیک، حتی واقعیت رئالیستی را هم با زبان رمانتیک طرح کردن» (ابومحجوب، ۱۳۸۰: ۴۸).

۲. پیشینه پژوهش

بنابر جستجوی نگارندگان تنها منبعی که تا حدودی به موضوع پژوهش ما مرتبط است، مقاله‌ای است تحت عنوان «بررسی تناسب اجزای تشبیه و استعاره با موضوع در شعر فارسی» که البته به صورتی کلی به طرح مباحثی پرداخته است که خلاصه آن گویای این نکته است که نوع بیان، متأثر از نوع اندیشه است «یافته‌ها نشان می‌دهد علاوه بر ابعاد زیبایی‌شناسانه، حماسی، عرفانی، غنایی و تعلیمی بودن موضوع اشعار [نیز] در انتخاب

اجزای صورخیال سهم چشمگیری دارد» (امیری و ریاحی‌زمین، ۱۳۹۸: ۸۳). برای اثبات سخن خود نیز به ذکر مثال‌هایی به صورت پراکنده از متون ادبی اکتفا کرده‌اند. یکی از تفاوت‌های اصلی و اساسی این پژوهش با پژوهش مذکور در محدوده پژوهش مشخص شده آن است که با تکیه بر این محدوده پژوهش می‌توان تفاوت‌های زبانی را به دلیل مشرب‌های فکری متفاوت در بهره‌گیری از تشبیه به خوبی نشان داد. همچنین با تکیه بر داده‌های این پژوهش می‌توان به شناخت بهتر و دقیق‌تری از دو جریان شعری معاصر در بهره‌گیری از تشبیه و تناسب آن با بافت کلام دست یافت. کتاب «مقایسه زبان حماسی و غنایی» نیز از جمله پژوهش‌هایی است که مقاله حاضر از آن الگو گرفته است. این کتاب به تحلیل تناسب سطح زبان اشعار با بافت کلام آن‌ها پرداخته و بر اساس بسامدها و نوع آرایه‌ها به تفاوت و تمایز دو نوع ادبی غنایی و حماسی دست یافته است.

۳. تحلیل تناسب تشبیه با بافت کلام

در این بخش با تقسیم‌بندی مباحث به نحوه چینش و گزینش کلمات در شعر پرداخته می‌شود. یعنی نشان داده می‌شود که شاعران متناسب به دو جریان شعری معاصر چگونه از قاعده ترکیب (تشبیه) در اشعار خود متناسب با بافت کلام و نوع نگاه خود به موضوعات استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر تناسب تشبیهات بکار گرفته شده با موضوع‌های شعری و بافت کلام در شعر شاعران مورد بررسی، هدف اصلی انجام این پژوهش است. از آنجا که بهبانی و بهار به عنوان دو نماینده تجلّد ادبی در شعر معاصر هستند و مشیری و مصلّق نیز شاعران برجسته رمانتیسیم معاصر هستند، تحلیل تناسب تشبیه با بافت کلام در شعر آن‌ها تمایزها و تشابه‌ها را برای ما روشن می‌سازد.

۴. قاعده ترکیب و نقش آن در شکل دادن به زبان

منظور از ترکیب در اینجا محور همشینی کلام است که بارزترین نمود آن تشبیه است چون بین مشبه و مشبه‌به‌ها با سایر واژگان سطح بیت همواره تناسبی وجود دارد از طرف دیگر نوع مشبه‌به، نوع ادبی را بیشتر برای ما روشن می‌کند.

مشبه‌بھی که متناسب با نوع ادبی گزینش شده باشد می‌تواند بهتر و بیشتر از یک مشبه‌به معمولی و فارغ از ارتباط با موضوع، ذهنیات شاعر را برای مخاطب تصویر کند و او را با فضای غالب بر متن آشنا سازد (امیری و ریاحی زمین، ۱۳۹۸: ۸۶).

بنابراین، چگونگی ترکیب و همنشینی کلمات در سطح بیت، نشانگر الگو و تبعیت خاصی است از نوع نگاه شاعر به پدیده‌ها که همواره تناسبی بین نوع نگاه و زبان، بیان شاعر می‌توان پیدا کرد. مثلاً دقت در نوع مشبه و مشبه‌به‌ها در شعر یک شاعر، ما را به تناسب‌هایی در سطح بیت می‌رساند که در نهایت برای ما روشن می‌کند کدام جنبه از تناسب‌ها تقویت شده است و چرا؟ پارساپور در این زمینه، ذهن شاعر را به ذهن یک کودک مانند می‌کند

ذهن کودک نیز مانند ذهن شاعر، قادر است از هر مدلول، مؤلفه‌های خاص معنایی و عاطفی را انتزاع کند و سپس آن را به حوزه معنایی نشانه‌ای که در ذهن دارد و دارای اشتراکاتی با مدلول مورد نظر است، پیوند دهند (پارساپور، ۱۳۸۳: ۳۱).

۱.۴ ترکیب در شعر شاعران تجددگرای معاصر

با دقت در تشبیه‌های شاعران تجددگرای معاصر مشخص می‌شود که زبان، بیشتر گرایش به استفاده از ترکیب، آن هم به صورت مفصل دارد. به عبارت دیگر، بیشتر تشبیه‌ها در اشعار بهبھانی و بهار از نوع مفصل هستند شاید دلیل این امر، نو بودن تشبیه‌ها باشد که هرچند در قالب زبانی آرکائیک بیان شده‌اند اما برای آنکه مخاطب بتواند ارتباط بین مشبه و مشبه‌به را بهتر کشف کند، مجبور به ذکر وجه‌شبه نیز شده‌اند. برای نمونه در بیت زیر تشبیه نان حلال به برگ گل، تشبیه دور از ذهن است که در سنت ادب فارسی نیز بکار نرفته است. بهبھانی برای آنکه تشبیه به خوبی فهم شود، مجبور شده است آن را به صورت مفصل یعنی با ذکر ادات تشبیه و وجه‌شبه آن بیاورد:

نان حلالی که خوردم پاکیزه چون برگ گل بود
پرورده سعی خویشم هم کاشتم هم درودم

(بهبھانی، ۱۳۸۱: ۱۰۶۶)

مباینت مشبه و مشبه‌به به گونه‌ای است که فهم وجه‌شبه بدون ذکر آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین اصولاً تشبیهات جدید اشعار بهبھانی از نوع مفصل است تا خواننده نیز در فرآیند

کشف و فهم تصویر به لذت دست پیدا کند «ایجاد این زمینه مشارکت، گاه از طریق حذف وجه‌شبهه و گاه با انتخاب یک مشبه‌به که مابین آن نسبت به مشبه بیشتر از مشابهت آن به ذهن متبادر می‌شود، صورت می‌گیرد» (پارساپور، ۱۳۸۳: ۵۰). چینش و ترکیب کلمات در سطح ابیات نیز کاملاً ترکیبی است از واژگان امروز و گذشته ادب فارسی. یعنی هم نشانه‌هایی از امروزی بودن شعر در آن است و هم کلماتی مانند «درودن» که مربوط به گذشته است در آن وجود دارد. از این دست تشبیه‌ها که نشان از گرایش شاعر به استفاده از زبان امروز و گذشته دارد در شعر بهبهانی به وفور دیده می‌شود مانند تشبیه: استاد به آب با وجه‌شبهه ره جسته در ضمائر خارا (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۹۵)؛ تشبیه: من شاعر به اخگر با وجه‌شبهه دولت ناپایدار داشتن (همان: ۱۸۹)؛ تشبیه: ما به گرداب ژرف با وجه‌شبهه غرق سرگردانی خود بودن (همان: ۳۰۴)؛ تشبیه: ما همچو زنبق با وجه‌شبهه در آغوش چمن شکفتن (همان: ۳۱۸). همین پیوند بین امروز و دیروز ادب فارسی یکی دیگر از دلایل شاعر در استفاده از تشبیه مفصل و یا همان قاعده ترکیب است چون برای مخاطب به دلیل مسبوق به سابقه نبودن تشبیه‌ها و غرابت آن‌ها، نیاز است که تشبیه‌ها به صورت کامل ذکر شوند.

ترکیب در سطح بیت اشعار بهبهانی به گونه‌ای است که دلالت‌های عاشقانه و حماسی را با هم آمیخته است. او بیشتر در تشبیهات خود مشبه‌های غنایی را به مشبه‌های حماسی پیوند داده است مانند: توفان غم‌ها (همان: ۴۳)؛ سیل کینه (همان: ۱۸۵)؛ زنجیر نگاه (همان: ۴۷۰)؛ طبل توفان عشق (همان: ۶۹۳)؛ توفان اخم (همان: ۸۲۳) یا تشبیه مجمل عشق به سیم‌رخ در نایاب بودن (همان: ۹۹۹) یا تشبیه مفصل جسم به کوه با وجه‌شبهه اندیشه از کولاک نداشتن (همان: ۴۹۰) یا تشبیه خشونت به تیغ حصار (همان: ۵۶۹) و... این گرایش بهبهانی در قاعده ترکیب به دلیل نگاهی است که به سنت ادب فارسی دارد چون در تشبیه، اصل، مشبه‌به است. مشبه‌به، اعراف از مشبه است و اصولاً شاعر، مشبه را به وسیله مشبه‌به می‌شناساند و بهبهانی با انتخاب مشبه‌های حماسی و اسطوره‌ای، سعی کرده است کلام خود را با زبان گذشته دلالت‌مند کند. این دلالت‌ها بر تحرک و پویایی اشعار بهبهانی و به تبع، حماسی بودن اشعار او افزوده است چون «در حماسه، حیات و حرکت، رکن اصلی تصویرهاست.» (شفیعی، ۱۳۷۶: ۴۵۲). اما نکته‌ای که سبک بهبهانی را از سبک شاعران گذشته جدا می‌کند نوآوری در ترکیب کلمات با هم (یا همان قاعده ترکیب) است در تشبیهات حماسی «تشبیهات اغلب از نوع محسوس به محسوس [است] و تشبیهات عقلی به عقلی در آن بسیار کم و انگشت‌شمار است» (زنجانی، ۱۳۸۱: ۷۱) ولی چون در شعر

بهبهنی پیوندی بین غنا و حماسه برقرار شده است اصولاً مشبّه‌های عقلی در اشعار او زیاد است که در مثال‌های مذکور «عشق»، «نگاه»، «خشونت»، «غم»، «کینه» و... از این نوع به شمار می‌آیند. بنابراین، ترکیب در تشبیهات بهبهنی اصولاً ترکیب بین غنا و حماسه است که با مشبّه‌های عقلی و مشبّه‌به‌های حسی مشخص شده‌اند و این نکته نیز در کنار استفاده از قالب‌های کلاسیک، وجه تجدّدگرایی شاعر را در ادب معاصر تشکیل می‌دهند.

بیشترین واژه‌هایی که در اشعار بهبهنی در قالب مشبّه قرار گرفته‌اند، واژگانی هستند با بار غنایی مانند: عشق، دل، غم، خاطر، خیال، نگاه و... که مشبّه‌های این واژه‌ها بیشتر هم بار حماسی و تجدّدگرایی را بر دوش می‌کشند مانند تشبیه نگاه به زنجیر (همان: ۴۷۰)، سینه به معبد متروک (همان: ۳۳۹)، دل به سیمرخ (همان: ۹۹۹)، اخم به توفان (همان: ۸۲۳) و...

در شعر بهار، نگاه به سنت ادبی پر رنگ‌تر است. زبان شعری بهار، زبانی است تحت سیطره گذشته و این نکته هم در مشبّه‌ها و هم در مشبّه‌به‌ها دیده می‌شود. مشبّه‌هایی مانند: اسپرغم، آمال، شب موحش انده‌گستر، اعزاز، اردشیر والا و... و مشبّه‌به‌هایی مانند: لعبتی سیمین عذار، زرد خیمه، حاجب، قلب فسرده و... همگی نشانه‌هایی از باستانگرایی در خود دارند.

مشبّه‌های اشعار بهار، مشبّه‌هایی هستند با بار تلفیقی عاطفی، اخلاقی و اجتماعی که از بین آن‌ها، مشبّه‌های اجتماعی به دلیل مفاهیم بکار رفته در اشعار بهار، بیشتر نمود دارند. همین باعث شده است که مشبّه‌به‌های اشعار بهار نیز متناسب با این سطح اندیشگانی در نظر گرفته شده باشند. مثلاً تشبیه آه به آتش (همان: ۲۸۸) و تیر (همان: ۱۰۵۰) جدا از آنکه یک مفهوم عقلی را به یک مفهوم حسی تشبیه کرده و با استفاده از زبان حماسی به آن برجستگی داده است، یک مفهوم اجتماعی نیز که نشان از ظلم موجود در جامعه است، مورد اعتراض واقع شده است. نمونه این نوع تشبیه‌ها با رعایت این نوع تناسب‌ها در اشعار بهار بسیار به چشم می‌خورد. برای نمونه در شعر زیر:

مخلوق جهان به گرگ مانند درست با قادر عاجزند و بر عاجز چست
سستند به گیرودار چون باشی سخت سختند به کارزار چون باشی سست

(بهار، ۱۳۸۰: ۱۱۲۵)

که در آن مخلوق به گرگ از منظر نوع رفتار (با قادر عاجز بودن و بر عاجز چست بودن) تشبیه شده و غرض و غایت این نوع تشبیه، نکته‌ای اخلاقی بوده است. بیت دوم که واژگان در آن گذشته‌گرا هستند (مانند کارزار، گیرودار) همان وجه‌شبهه متخذ از مصراع دوم بیت اول است. در حقیقت، بیت دوم نیز شرح و توضیح ادعای همانندی (مشبه به مشبه‌به) است.

در بیت زیر استفاده از مشبه و مشبه‌به آرکائیسیم باعث شده است که شاعر تناسب سطح زبانی را در سایر کلمات نیز رعایت کند:

کوشک‌ها هر جای محصور از درخت چون حصاری استوار آید همی

(همان: ۳۵۵)

کوشک چون حصار از نظر نفوذناپذیری دانسته شده است که فعل «آید همی» هنجارگریزی زمانی است و به دلیل رعایت تناسب واژگان در سطح بیت، شاعر مجبور شده است از این نوع فعل استفاده کند. در مجموع هم، رعایت تناسب سطح بیت، باعث حماسی بودن کلام شده است. مقید بودن شاعر به استفاده از زبان گذشته باعث شده است که تمام ابیات شعر، زبانی گذشته‌گرا داشته باشد:

آبشار از گوشه وادی به چشم چون یکی سیمینه تار آید همی
ور برو نزدیک تازی در نظرت همچو پولادین منار آید همی

(همان: ۳۵۵)

آبشار به پولادین منار (از نظر سفیدی) تشبیه شده است که در سطح بیت هم تعقید لفظی (در واژه نظرت، حرف «ر» باید ساکن تلفظ شود) و هم اضافه مقلوب (پولادین منار) و هم واژگان گذشته (تازی) دیده می‌شود. این پایبندی شاعر در کنار آشنایی او با گذشته ادب فارسی، ترکیب و همنشینی کلمات او را نیز محدود کرده است. ردیف «آید همی» یکی از محدودیت‌های شاعر در استفاده از واژگان در سطح بیت است. این نوع ردیف، ردیف قاموسی است یعنی «پس از قافیه تکرار می‌شود و در معنی شعر و آفرینش صورت خیالی و انتزاعی معانی نقش دارد» (محسنی، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۵). در مجموع، دقت در واژگان سطح بیت، یک نوع مجاورت و همنشینی را نشان می‌دهد که به دلیل زبان آرکائیک و سنتی شعر است و شاعر مجبور شده است تناسب واژگان را متناسب با تصویر شعری بچیند.

نوع نگاه بهار به موضوع‌های اجتماعی (که عنصر غالب اشعار اوست) نشانگر گره-خوردگی خیال با زبان گذشته است. حتی جایی که قصد تعلیم دارد، زبان گذشته، سلطه و غلبه خود را حفظ می‌کند. برای نمونه در بیت زیر:

لقمه‌های بی زحمت، قهرهای یزدانی است کاندر این جهان گردد، هر یک اژدری پیچان
(همان: ۲۴۴)

لقمه‌های بی زحمت به اژدری پیچان از نظر هولناکی تشبیه شده است. اژدری پیچان، ساختی کهنه دارد که در پیوند با مشبه مربوط به زبان امروز (لقمه‌های بی زحمت)، تصویری بدیع خلق کرده است. واژه «اندر» نیز گذشته‌گرایی زبان را ترشیح کرده است.

۲.۴ ترکیب در شعر شاعران منسوب به رمانتیسیم

در شعر مصدق هر چند باستانگرایی و آرکائیسیم دیده می‌شود اما قاعده ترکیب به گونه‌ای نیست که باستانگرایی بر امروزی بودن شعر او بچربد. به دیگر معنی، وجوه باستانگرایی اشعار مصدق صرفاً به استفاده از واژگانی از گذشته بر می‌گردد نه آنکه این واژه‌ها در محل مشبه به عنوان یک نوع بازگشت به گذشته و ترجیح گذشته بر امروز باشد. در مجموع واژه‌های بسیار اندکی مانند: شیر خشم‌آگین (مصدق، ۱۳۸۶: ۴۵)؛ توفان بنیان‌کن (همان: ۴۵)؛ کوه آتشفشان (همان: ۴۵) و... در اشعار او دیده می‌شود که اصولاً این مشبه‌ها نیز به دلیل فضای حاکم بر شعر است.

یکی از اصول اساسی ترکیب در اشعار مصدق با تکیه بر تشبیه، این نکته است که تصاویر حماسی با تصاویر رمانتیک، کاملاً گره خورده‌اند و وجوه رمانتیکی اشعار او، قرینه‌هایی بازدارنده هستند که ذهن مخاطب را از قبول تصویر به عنوان یک تصویر حماسی صرف دور می‌کنند. مثلاً واژه «کمند» مشبه به واژه «الفاظ» شده است و واژه الفاظ که در جایگاه مشبه آمده، باعث شده است که مخاطب، بیشتر، شعر را امروزی در نظر بگیرد و این نشان از غلبه احساس و عاطفه بر دیگر وجوه مانند حماسه و... دارد. به عبارت دیگر، حماسه در شعر مصدق، ابزاری است برای نشان دادن و برجسته کردن وجوه رمانتیکی اشعار او.

یکی از ویژگی‌های ترکیب در اشعار مصدق، مقید بودن مشبه‌های آن است. این مقید بودن نیز اصولاً بر جنبه حماسی اشعار او دلالت می‌کند. برای نمونه خوشه تشبیهات «من

(شاعر)» به عنوان مشبّه، شامل این مشبّه‌ها است: ابر اندوه (همان: ۷۶)، گردباد در دشت (همان)، برگ پاییز در پنجه باد (همان)، قله (همان: ۱۰۵)، نستوه کوه ساکت و سرد (همان: ۱۰۶)، آتشفشان مرده خاموش (همان: ۱۰۶)، سنگ سرد درّه (همان: ۴۳۵)، غریب درخت کویر (همان: ۴۶۲)، مرغ بال و پر ریخته در قفس (همان: ۵۱۸). این مشبّه‌ها جدا از آنکه بر دو جنبه حماسی و رمانتیکی اشعار مصدق دلالت می‌کنند از نظر ترکیب نیز، مشبّه‌هایی هستند مقید و وابسته؛ و تصویری جزئی را بازنمایی می‌کنند. مثلاً شاعر، خود را به یک مرغ تشبیه می‌کند که هم در قفس است و هم بال و پرش ریخته است. این مشبّه به محدود کردن دامنه تشبیه است یعنی هر مرغی را شامل نمی‌شود و شاعر برای نشان دادن شدت و حدت تصویر سعی کرده است مشبّه‌ها را به صفت‌هایی که این شدت و تأکید را نمایندگی می‌کنند، وابسته کند یا مشبّه به آتشفشان مرده خاموش هم روح حماسی تشبیه را نشان می‌دهد و هم صفت‌های مرده و خاموش، جنبه رمانتیکی و عاطفی تشبیه را که در خدمت برجسته‌سازی تشبیه قرار دارند به تصویر می‌کشند. در حقیقت، شاعر با مقید کردن مشبّه‌ها، جامعی متضاد را که در خدمت نو کردن و برجسته کردن تشبیهات او قرار دارد، به وجود می‌آورد.

دقت در مشبّه‌های دیگر اشعار مصدق و بر اساس اصل بسامد بر ما روشن می‌کند که امور عقلی (مشبّه‌های اشعار مصدق) بیشتر به امور حسی (مشبّه‌ها) آن هم از نوع اجزا و ارکان طبیعت تشبیه شده است و تا حدودی به دلیل تشبیهات مصدق، می‌توان او را شاعری طبیعت‌گرا دانست. برای نمونه، خوشه مشبّه‌های «دل» عبارتند از: مزرعه (همان: ۴۹۶)، آینه (همان: ۴۲)، کبوتر (همان: ۳۷۳)، سنگ سخت (همان: ۲۹۶)، سنگ (همان: ۴۲۷)، سفره (همان: ۴۲۷)، پرنده (همان: ۶۱۲)، پنجره (همان: ۷۴۷) که بخش اعظم مشبّه‌ها از ارکان طبیعت هستند. به صورت کلی نیز بسامد بالایی از مشبّه‌های اشعار مصدق برگرفته از طبیعت هستند و اجزای طبیعت، یکی از ارکان شعری او به شمار می‌آیند و بیشترین گره‌خوردگی واژگان با هم در شعر مصدق، تناسبی است که بین مشبّه‌ها و اجزای طبیعت برقرار کرده است نمونه‌هایی دیگر: جنگل جان (همان: ۷۹)، آتش عشق (همان: ۷۹)، خرمن عمر (همان: ۱۳۶)، آتش خشم (همان: ۱۳۶)، نونهال مهر (همان: ۳۹۷)، سرو اندام (همان: ۴۰۴)، باغ تن (همان: ۴۰۴)، گل صد بوسه ناب (همان: ۴۰۴)، چاهسار فراموشی (همان: ۹۳)، گل‌های امید (همان: ۶۱) و

دقت در تناسب واژگان سطح شعر مصدق، نشانگر آن است که شاعر اگر در پاره‌ای موارد نیز در تشبیهات از مشبّه‌های حماسی سود جست است اما واژگان سطح شعر او با

مشبه‌به‌های حماسی تناسب ندارند و از واژگان حماسی تنها به عنوان یک نشانه استفاده کرده است مثلاً در بند زیر:

وقتی

از سطر سوم شعرم

دیدم که واژه‌ها تهی از تو

از چله کمان خیالم گذشته است

(همان: ۷۲۹)

خیال به کمان تشبیه شده است اما در سطح شعر، واژه‌ای که متناسب با کمان باشد، دیده نمی‌شود (بجز واژه چله که ملازم کمان است) اما تمام کلمات دیگر، واژه خیال را ترشیح و تقویت می‌کنند و این اصلی‌ترین وجوه تمایز ترکیب در شعر مصدق است. به عبارت دیگر، هرچند مصدق در اشعار خود از واژگان حماسی استفاده کرده است اما واژه‌ای دیگر که ساخت حماسی اشعار او را ترشیح کند در بیت وجود ندارد و حماسه در شعر او به همان واژه ختم می‌شود. این ساخت شعری در اشعار مصدق تقریباً هر جا مشبه‌به آن حماسی باشد، دیده می‌شود و سبک شخصی او را در قاعده ترکیب، تشکیل می‌دهد. نمونه دیگر در شعر زیر:

وقتی که تیغ طعنه و تهمت را

با بند بند جان و تنش تیز می‌کنند

آیا سزاست جامه تزویر را

در زیر چتر صبر و صبوری به تن کند؟

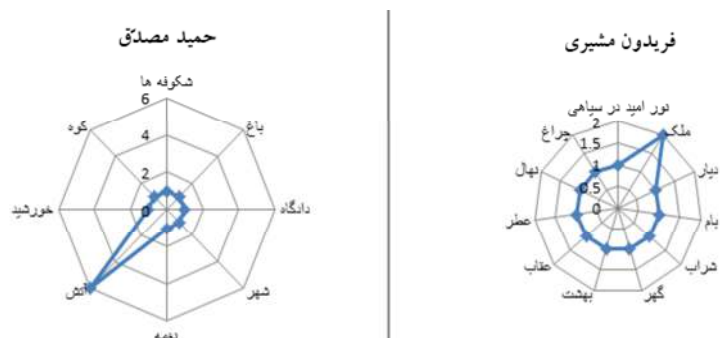
(همان: ۵۸۴)

طعنه و تهمت به تیغ تشبیه شده‌اند اما در ادامه، طعنه و تهمت هستند که با واژگانی مانند تزویر، بند بند جان، صبر و صبوری ترشیح شده است. در شعر مشیری برخلاف شعر مصدق، اصولاً مشبه و مشبه‌به‌ها یک کلمه هستند و به ندرت پیش می‌آید که مشبه‌به، مقید به صفتی باشد و تصویر منشعب از تشبیه‌ها اصولاً تصویری واحد و رساست. همین نکته باعث شده فهم شعر مشیری ساده‌تر و روان‌تر باشد و خواننده زودتر و بهتر بتواند با آن پیوند برقرار کند. بار رمانتیکی اشعار او نیز در قطب

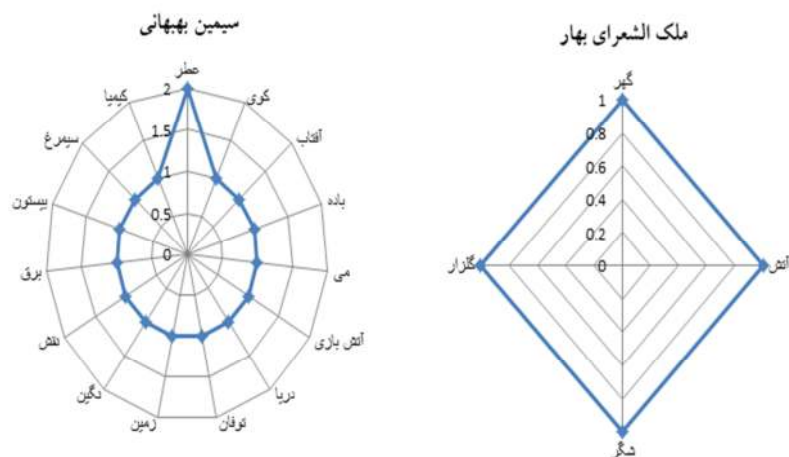
همنشینی کلام بر دوش مشبّه‌های آن است که بیشتر امور عقلی و احساسی مانند امید، اندوه، آشنایی، بلا، جان، دل، شعر، عشق، غم، مرگ، نگاه، هستی و... را در بر می‌گیرد. بین این تشبیه‌ها تا حدودی تشبیه عقلی به عقلی نیز دیده می‌شود اما عموماً مشبّه‌به‌های عقلی، اموری هستند که کاملاً برای مخاطب شناخته شده هستند مانند تشبیه مرگ به هیولا (مشیری، ۱۳۸۰: ج ۱ / ۵۶۱)، عشق به بهشت (همان: ج ۱ / ۶۳۵) و...

همنشینی مشبّه و مشبّه‌به در اشعار مشیری، ترکیبی ساده و امروزی است. مشیری در بیان مفاهیم مورد نظر خود نه زبان گذشته را برجسته می‌کند و نه از کلمات ثقیل و دور از ذهن استفاده می‌کند. ترکیب کلمات نزد او ترکیبی کاملاً امروزی است و نوع نگاه او نیز نگاهی احساسی و رمانتیکی است. این نکته تقریباً در تمام اشعار او یکسان است و زبان شعری او در دوره‌های مختلف شاعری‌اش دچار تحوّل اساسی نشده است.

برای بهتر مشخص شدن تفاوت تناسب تشبیه در شعر شاعران، خوشه‌های تشبیه بلیغ موتیف عشق را در شعر تمام شاعران نشان می‌دهیم. در نمودارهای زیر مشبّه‌به‌های عشق در شعر شاعران متناسب به دو جریان شعری نشان داده شده است:



با تکیه بر نمودارهای بالا مشخص است که مشبّه‌به‌ها که بیانگر دیدگاه خاص شاعر هستند حول چه مواردی هستند در شعر مشیری بر خاصیت‌های پوشانندگی، نور، امید، لذت و زیبایی عشق تأکید شده و در شعر مصدّق بر استواری، گرمابخشی، زیبایی و بزرگی عشق اشاره شده است. تقریباً تمام مشبّه‌به‌ها جنبه رمانتیکی و مفاهیم متّخذ از آن‌ها نیز در همین راستا است تنها تفاوت در نوع زبان آن‌هاست که تا حدودی زبان شعری مصدّق، گذشته‌گرا است و همین نشان از پیوند غنا و حماسه در شعر او دارد. در شعر مشیری، بیشتر بر فراگیری عشق (ملک عشق) و در شعر مصدّق بیشتر بر خاصیت سوزانندگی (تمایل شدید قلبی) تأکید شده است.



با توجه به نمودارهای بالا، مشبّه‌به‌ها، مفاهیم اندیشگانی شاعران را دلالت می‌کنند. در شعر بهار چهار مشبّه‌به برای عشق در نظر گرفته شده است که بر خاصیت شیرین بودن، لذت بردن، زیبا بودن و سوزانندگی عشق تأکید دارند در شعر بهبهانی مشبّه‌به‌های بیشتری برای عشق در نظر گرفته شده که بر خاصیت ناباب بودن، ارزشمندی، لذت بردن، گرمابخشی، پوشانندگی، انقلاب درونی، زیبایی، گذرا بودن و قداست دلالت دارند. آنچه در نمودارهای بالا حائز اهمیت است، دو نکته است یکی اینکه عشق که یکی از اصلی‌ترین مفاهیم رمانتیک است در شعر بهار چندان جایگاهی ندارد و تنها چهار بُعد به خود گرفته که ویژگی‌های این چهار بُعد هم ویژگی‌هایی جهان‌شمول و مشترک هستند اما در شعر سیمین بهبهانی هم ابعاد بیشتری پیدا کرده که نشان از توجه و دیدگاه خاص نویسنده به این موضوع است و هم ویژگی‌های فردی نیز به آن داده است مانند تشبیه عشق به سیمرغ که یک نوع سیال بودن مفهوم عشق بین عرفان و غنا را در بر گرفته است چون یکی از نشانه‌هایی که سیمرغ بر آن دلالت دارد، بُعد عرفانی و وحدت وجودی است. این فردیت در نگرش می‌تواند دلیل بر اهمیت و ارزش دادن شاعر به این موتیف باشد. نکته دوم نحوه بکارگیری زبان است. در شعر بهار به دلیل کم توجهی به این مفهوم با قطعیت نمی‌توان نظری داد اما در شعر سیمین بهبهانی کاملاً زبان باستانی و گذشته‌گرایی نمود دارد. بهبهانی سعی کرده است مشبّه‌به‌ها را که حاوی نگرش خاص او هستند از زبان گذشته (آرکائیسیم در زبان) انتخاب کند.

۳.۴ بسامد تشبیهات بکار رفته در شعر شاعران دو جریان شعری معاصر

دقت در بسامد تشبیهات بکار رفته در شعر شاعران معاصر ما را به این نکته رهنمون می‌کند که اصلی‌ترین ساخت شعری این شاعران بر اساس ترکیب شکل گرفته است. تشبیه، مهم‌ترین رکن شعری آن‌هاست و در مقایسه با بسامد استعاره، نمود بسیار چشمگیرتری دارد.

مشری	مصدق	بهار	بهبهانی	جدول فراوانی تشبیه	ردیف
بسامد	بسامد	بسامد	بسامد	نوع تشبیه	
۷۱	۹۹	۵۸	۱۲۹	تشبیه مفصل	۱
۲۱	۳۵	۱۳	۲۴	تشبیه مجمل	۲
۳۵	۵۹	۳۰	۳۰	تشبیه بلیغ غیر اضافی	۳
۲۸۶	۳۰۱	۱۰۸	۱۸۸	تشبیه بلیغ اضافی	۴
صفر	۱	۱۹	۱۵	تشبیه مرکب	۵
صفر	صفر	۳	صفر	تشبیه تفضیل	۶
صفر	صفر	۲	صفر	تشبیه ملفوف	۷
صفر	صفر	۳	صفر	تشبیه جمع	۸
۴۱۳	۴۹۵	۲۳۶	۳۸۶	جمع تشبیهات	۹

شاعران منسوب به رمانتیسم به نسبت بسیار بیشتر به ترکیب توجه داشته‌اند و مصداق در این زمینه، سرآمد است. این نکته (بسامد تشبیه در شعر شاعران) در کنار مباحث پیشین که تناسب تشبیه با بافت کلام است برای ما روشن می‌کند که شاعران معاصر به دلیل سبک شخصی و خاصی که در بیان مطالب خود داشته‌اند و نیز تلفیقی که بین زبان امروز و گذشته ادب فارسی انجام داده‌اند و همچنین نو بودن بیشتر تشبیهات بکار رفته در شعر آن‌ها، مجبور شده‌اند برای فهم هر چه بهتر اشعار خود، از ترکیب (در اینجا تشبیه که نمود بارز ترکیب است) استفاده کنند. در این میان مشیری تا حدودی از این قاعده مستثنی است چون سادگی کلام، ویژگی اصلی شعر اوست و گذشته‌گرایی نمود چندانی در اشعار او ندارد اما توجه او نیز به ترکیب در اشعار خود برای بهتر انتقال دادن عنصر عاطفه و احساس بوده است برای نمونه تشبیه غروب به رخ مادری بلا دیده (مشیری، ۱۳۸۰: ج ۱/ ۱۱۲) هرچند در آن وجه شبه بر مخاطب روشن است که رنگ زرد است اما خود رنگ زرد، دلالتی نشانه‌شناختی دارد بر "در عزای کسی بسیار ناراحت شدن". بنابراین استفاده از تشبیه و ذکر وجه شبه باعث شده است عاطفه و احساس بسیار بهتر انتقال پیدا کند. در بیشتر

موارد نیز مشبّه‌به‌های مشیری هرچند ساده فهم هستند اما مابینت آن‌ها با مشبّه بسیار زیاد است مثل تشبیه عشق به طفل یتیم (همان: ۲۶۲) که شاعر با ذکر وجه‌شبه (به دامن آویختن) تشبیه را برای مخاطب قابل فهم کرده است. این نکته در مورد بهبهانی نیز کاملاً صدق می‌کند با این تفاوت که زبان شعری بهبهانی در بخشی از ترکیب شعری‌اش (مشبّه یا مشبّه‌به)، وامدار گذشته ادب فارسی است.

در مجموع جدول بالا برای روشن شدن بسامد بالای تشبیه در شعر شاعران مورد بررسی است که با تکیه بر آن می‌توان این نکته را قبول کرد که بیشترین ساخت شعری شعر معاصر ما در دو جریان تجدّدگرای معاصر و رمانتیسم، استفاده از قاعده ترکیب است که شاعران با توجه به نوع نگاه خود، تناسب سطح شعری خود را نیز در استفاده از واژگان حفظ کرده‌اند. مقایسه جدول بالا با جدول زیر که مربوط به بسامد استعاره در شعر شاعران مورد بحث است و استعاره دلالت بر قاعده انتخاب (و گزینش) دارد، ادعای مطرح شده بیشتر روشن می‌شود:

جدول فراوانی استعاره		بهبهانی	بهار	مصدق	مشیری
ردیف	نوع استعاره	بسامد	بسامد	بسامد	بسامد
۱	مصرّحه مجردة	۱۷	۲۳	۱۲	۲۰
۲	مصرّحه مطلقه	۲۹	۳۹	۲۳	۱۹
۳	مصرّحه مرشّحه	صفر	۲۲	۳	صفر
۴	اضافه استعاری	۲۶	۱۱	۲۷	۱۸
۹	جمع استعاره‌ها	۷۲	۹۵	۶۵	۵۷

شاعران تجدّدگرا به دلیل توجه خاصی که به گذشته ادب فارسی داشته‌اند اصولاً استعاره‌هایی که قابل فهم هستند و در سنت ادبی تکرار شده‌اند از آن‌ها در اشعار خود بهره

برده‌اند به همین دلیل تا حدودی و در مقایسه با شاعران منسوب به رمانتیسم، بیشتر به محور جانشینی کلام توجه داشته‌اند اما در مجموع مقایسه بسامد استعاره‌ها با تشبیهات، کم توجهی شاعران به محور جانشینی کلام و قاعده انتخاب را نشان می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

دلیل توجه ویژه شاعران معاصر به تشبیه و بسامد قابل توجه تشبیه مفصل در اشعار آن‌ها، مابین تشبیه و مشبه‌به در اشعار آن‌هاست که شاعران تجددگرا و بخصوص بهبهانی در این زمینه سرآمد هستند و به دلیل پیوندی که بین امروز و گذشته ادب فارسی برقرار کرده‌اند، تشبیه‌های آن‌ها هم غریب و دور از ذهن می‌نماید و به همین دلیل برای انتقال تصویر مجبور شده‌اند وجه‌شبه را نیز ذکر کنند. در زبان شعری شاعران تجددگرا، مشبه‌ها بیشتر امروزی و مشبه‌به‌ها مربوط به گذشته ادب فارسی است (هرچند بهار تا حدودی از این قاعده عدول کرده است اما اصل بر بسامد است). در شعر بهبهانی، دلالت‌های عاشقانه و حماسی به هم آمیخته است که اصولاً مشبه‌ها، بار غنایی و مشبه‌به‌ها، بار حماسی دارند و به این شیوه، تحرک و پویایی در اشعار او بیشتر دیده می‌شود. مشبه‌های غنایی اشعار بهبهانی بیشتر از نوع عقلی و مشبه‌به‌های اشعار او از نوع حسی هستند که شاعر برای انتقال بهتر تصویر، سعی کرده است تناسب سطح بیت را با مشبه‌ها بچیند. دلیل پررنگ‌تر بودن گذشته‌گرایی در اشعار بهار (نسبت به بهبهانی) تا حدودی استفاده از مشبه‌به‌های مربوط به گذشته ادب فارسی است که در سطح بیت هنجارگریزی‌های زمانی (باستان‌گرایی در زبان) و نحوی نیز باعث ترشیح این گذشته‌گرایی شده است و در مجموع، تناسب سطح بیت اشعار بهار، بسیار بیشتر با گذشته ادب فارسی همخوانی دارد. به عبارت دیگر، تخیل در اشعار بهار با زبان گذشته بیشتر پیوند خورده است و این گذشته‌گرایی هم در تصاویر منتزع از تشبیهات او دیده می‌شود و هم در تناسب سایر واژگان سطح بیت با این تصاویر. در شعر مصدق نیز گذشته‌گرایی دیده می‌شود اما تفاوت اصلی زبان شعری او با شاعران تجددگرا در آن است که قاعده ترکیب در اشعار او به دلیل انتخاب مشبه‌به‌های مربوط به عصر خود، بیشتر رنگ امروزی دارد و تناسب واژگان در سطح بیت نیز با واژگان امروز ادب فارسی است. در واقع هر چند وجه رمانتیک با حماسه در اشعار او پیوند خورده است اما قرینه‌های زبانی سطح بیت، ذهن مخاطب را از قبول تصویر به عنوان یک تصویر حماسی یا مربوط به گذشته ادب فارسی باز می‌دارد و در آن‌ها احساس و عاطفه بر حماسه غلبه دارد

اما آنچه در جایگاه تشبیه در اشعار او، وجه گذشته‌گرایی را تقویت می‌کند مقید بودن مشبّه‌به‌های اشعار اوست که تتابع صفات و اضافه‌های مقلوب را شامل می‌شود و تا حدودی گذشته‌گرایی زبان شعری او را ترشیح می‌کند. شعر مشیری به دلیل زبان ساده و دور بودن آن از زبان کهن، بیشتر امروزی است و تفاوت اصلی تشبیه در اشعار او نیز دور بودن از مشبّه‌های مقید است. ترکیب کلمات در اشعار مشیری به دلیل نگاه شاعر و توجه ویژه او به انتقال عاطفه و احساس، کاملاً امروزی است و تناسب سطح ابیات او نیز با مشبّه و مشبّه‌به، حاکی از زبان ساده و امروز ادب فارسی است. در مجموع با توجه به بسامدهای به دست داده شده، تشبیه و در یک کلام، قاعده ترکیب در شعر شاعران معاصر بیشتر مورد توجه بوده و محور همنشینی کلمات بیشتر ترشیح شده است.

پی‌نوشت

۱. منظور از رمانتیسم در معنای اروپایی آن نیست چون «زیربنای رمانتیسم، اومانیسم است و در کشور ما تحقق‌پذیرفته است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۷۲). منظور از رمانتیسم در این پژوهش، وجه غالب و مسلط فکری اشعار شاعران مورد نظر است که در پی القای مفاهیم و اندیشه‌هایشان در قالب زبانی احساسی و عاطفی هستند.

کتاب‌نامه

- ابومحbob، احمد (۱۳۸۰). زندگی و شعر حمید مصدق؛ در های و هوای باد، تهران: ثالث.
- امیری، لیلا و زهرا ریاحی زمین (۱۳۹۸). بررسی تناسب اجزای تشبیه و استعاره با موضوع در شعر فارسی، نشریه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۴۲، صص ۸۳-۱۰۴.
- براهنی، رضا (۱۳۷۱). طلا در مس، تهران: نویسنده.
- بهار، محمد تقی (۱۳۸۰). دیوان اشعار، تهران: انتشارات توس.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۱). مجموعه اشعار. چاپ پنجم. تهران: نگاه.
- پارساپور، زهرا (۱۳۸۳). مقایسه زبان حماسی و غنایی، تهران: دانشگاه تهران.
- دهباشی، علی (۱۳۸۳). زنی با دامنی شعر. جشن‌نامه سیمین بهبهانی. تهران: نگاه.
- زرقانی، مهدی (۱۳۸۳). چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- زنجانی، برات (۱۳۸۱). تشبیه در شاهنامه فردوسی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ش ۱۶۲ و ۱۶۳. صص ۸۰-۶۹.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶). صور خیال در شعر فارسی. چاپ ششم. تهران: آگاه.

تحلیل تناسب تشبیه با بافت کلام در دو جریان شعری معاصر: ... ۴۹

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)، تهران: سخن.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۲). کلیات سبک‌شناسی، تهران: انتشارات فردوس.

محسنی، احمد (۱۳۸۲). ردیف و موسیقی شعر، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

مشیری، فریدون (۱۳۸۰). مجموعه اشعار (ج ۱ و ۲)، تهران: نشر چشمه.

مصلّح، حمید (۱۳۸۶). مجموعه اشعار، تهران: نگاه.